

نشر مستضعفین دو سالگه شد

سومین جشن تولد این کودک نو پای دو ساله بر تمامی ره پویان و ره جویان و رهنوردان و راه سازان راه انسان و اسلام و ایران مبارک باد!

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ماه ۸۸ در شرایطی این نوزاد پا به عرصه وجود گذاشت که بهار جنبش اجتماعی ایران پس از سی سال رکود زمستانی، با رفتن ننه سرمای تسلیم و انقیاد و خمودی توده‌های این مرز و بوم، همراه با آمدن عمو نوروز خودآگاهی اجتماعی و سیاسی توده‌های ایران که باعث اعتلای سونامی جنبش اجتماعی ایران در مسیل تاریخی صد ساله گذشته خود، در استمرار جنبش اجتماعی تنبکو و مشروطیت اول و مشروطیت دوم و نهضت مقاومت ملی و ۱۵ خرداد ۴۲ و جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۵۷

به راه افتاده بود و حضور حاضر این ناصرین راه رهائی و آزادی و انسان مرسلات عرفی گشتند که عاصفات عصف را دعوت به ناشرات نشر مستضعفین ایران کردند، و بدین ترتیب بود که نشر مستضعفین در ۲۹ خرداد ۸۸ روز میعاد با خلق بپا خواسته ایران و روز میعاد با شریعتی، چراغ راه آگاهی و آزادی و انسان و کشتی نجات مستضعفین به استضعاف کشیده شده زر و زور و تزویر یا استبداد و استثمار و استعمار یا تیغ و طلا و تسبیح یا ملاء و مترف و رهبان یا فرعون و قارون و بلعم از مادری با ۳۴ سال رنج و تلاش و زیستن و سوختن و ساختن و شدن همراه با درد پیوسته زایمان کشیدن متولد گردید.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ که جنبش اجتماعی خلق ایران با شعار دموکراتیک و آزادی خواهانه خود نظام توتالیتر ولایت مطلقه فقهاتی حاکم بر ایران را به چالش کشیده بود و با به صحنه آمدن تمامی نیروهای دموکراتیک از دانشجویان و دانش آموزان و معلمان و کارمندان و زنان گرفته تا طبقه کارگران و زحمت کشان قشر متوسط شهری و... وظایف دموکراتیک فوری به جای وظایف سوسیالیستی در دستور کار تمامی پیشگامان راه رهائی این کشور قرار داده بود، نوزادی متولد گردید که بر پایه وظایف دموکراتیک فوری به جای وظایف سوسیالیستی و با مخاطب قرار دادن نیروهای دموکراتیک حاضر در صحنه (از زنان ایران گرفته تا دانشجو، دانش آموز، کارمند،

ادامه در صفحه ۶

سی و چهارمین سال فراق معلم کبیرمان شریعتی

میعاد با شریعتی

۳۴ سال از فراق مردی می‌گذرد که نخستین منادی سوسیالیسم علمی در جهان اسلام و مسلمانان بود.

۳۴ سال از فراق معلمی می‌گذرد که نخستین نقادی بود که در جهان اسلام با شعار نفی «زر و زور و تزویر» هم زمان سه مؤلفه «قدرت و سنت و مدرنیته» را با آتش آگاهی به نقد کشید.

۳۴ سال از جدائی منادی رهائی‌بخشی در جهان اسلام می‌گذرد که با توتم قلم، همراه با آتش خودآگاهی‌بخش پرومته، تمامی خداوندان «زر و زور و تزویر» زمین و زمان را در سرزمین جنبش‌های عدالت خواهانه سوسیالیستی، آزادی خواهانه دموکراتیک و استقلال طلبانه رهائی‌بخش به رمی جمره ثلاثه ابراهیم خلیل گرفت.

۴۳ سال پیش راندی از ما جدا شد که: شعار رهائی بخش‌اش: «نان - آزادی - فرهنگ» بود. و شعار دموکراتیک‌اش: «آزادی - آگاهی - برابری» بود. و شعار تاریخ سازش: «آگاهی و آزادی و قدرت» بود. و شعار انسان سازش: «حقیقت، خیر و زیبایی» بود.

و شعار خودآگاهی‌بخش اعتقادی‌اش: «نجات اسلام قبل از مسلمین» بود.

و شعار ضد لیبرالیستی‌اش: «نانت من می‌خورم حرفت را خودت بز».

و شعار ضد فاشیستی‌اش: «نانت من می‌خورم و حرفت را هم من می‌زنم».

و شعار ضد سوسیالیست دولتی قرن بیستم‌اش: «نانت خودت بخور، حرفت را من می‌زنم».

ادامه در صفحه ۲



که راه رسیدن به نتیجه را درست انتخاب نکرده باشیم» (مجموعه آثار جلد بیست - صفحه ۵۰۰).

«البته این شیوه درازمدت مبارزه غالباً این عیب را پیدا می‌کند که در طی این مدت طولانی عوامل منفی و قدرتهای ارتجاعی و دستهای دشمنان داخلی و خارجی جنبش را از مسیر خود منحرف می‌سازند و یا آن را متوقف می‌نمایند و حتی نابود می‌کنند» (مجموعه آثار جلد بیستم - صفحه ۵۲۵).

۳۴ سال پیش مردی و معلمی و مرادی و راندی ما را ترک کرد که به جنبش خودآگاهی‌بخش اعتقادی به عنوان زیربنای تمامی جنبشهای طبقاتی، اجتماعی، سیاسی، دمکراتیک و سوسیالیستی می‌اندیشید.

«وقتی مشروطه را با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه کنید در مقایسه با آنچه که از آن کپی کرده‌اند یکی به آن شکل در می‌آید و یکی به این شکل این است که می‌بینیم مشروطه با چند تا فرمان شروع می‌شود در صورتی که انقلاب کبیر فرانسه با یک قرن اندیشیدن تفکر بینش تازه و حرکت فکری مترقی و آگاه و روشنگرانه شروع می‌شود» (مجموعه آثار جلد ۱۷ صفحه ۱۶۶).

۳۴ سال پیش آموزگاری از دست دادیم که استراتژی سازمان گرایانه حزبی‌اش از عرصه جنبش‌های سه گانه دمکراتیک و سوسیالیستی و اجتماعی بر پایه خودآگاهی طبقاتی، خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی انسانی می‌گذشت.

«در موقعی که مشروطیت عملی شد قوانین بلژیک را ترجمه کردن و به جای سنتهای استبدادی و بومی برای ایران بکار بردند در حالی که مردم ایران به آن حد از تکامل و خودآگاهی نرسیده بودند در نتیجه این گونه قوانین حروف مرده ای شدند که از کفن سپید کتابچه‌ها پا بیرون نگذاشتند و فقط بدرد مطالعه افراد محقق می‌خوردند نه به درد مردم بدون خودآگاهی متن مردم هر راه حلی در حوزه‌های علمی و زوایای کتابخانه‌ها و گوشه‌های کافه‌های روشنفکری خواهند ماند» (مجموعه آثار جلد ۱۲ - صفحه ۲۲۸).

۳۴ سال پیش راه ساز بزرگی ما را رها کرد و رفت که مبارزه دمکراتیک در عرصه جنبش‌های اجتماعی و دمکراتیک و سوسیالیست مانند مبارزه سوسیالیستی به صورتی درازمدت و در کانتکس همان مبارزه خودآگاهی‌بخش اعتقادی و اجتماعی و سیاسی و طبقاتی و انسانی تبیین می‌کرد.

«به گفته چه گوارا آزادی بیش از همه از دست کسانی ضربه می‌خورد و ضربه‌ای شکننده که برای نیل بدان کوتاهترین راه را انتخاب می‌کنند و سریعترین مرکب را سرنوشت بسیاری از کشورهایی که اکنون در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در چنگال استبداد و حکومت غاصب بیش از پیش رنج می‌برند و به خفقان دچار شده اند یوغ استعمار بیگانه بیرحمانه تر بر سرشان افتاده و زنجیر محکومیت در بند خارجی حلقومشان را تنگتر از پیش می‌فشارد گواه صادقی است که نسل از ادیخواه دست به مبارزه نابهنگام و ناهنجار زده‌اند و پیش از آنکه شرایط انقلاب فراهم شود شعارهای تند انقلابی داده‌اند و در نتیجه تنها چیزی که به دست آورده‌اند این بوده است که حکومت‌ها را بیدار تر کرده‌اند و در نتیجه امروز از آذیهای نسبی اندکی که پیش از این داشتند نیز محروم شده‌اند و حتی از گفتن و نوشتن ممنوع گشته‌اند و نه تنها به آزادی دست پیدا نکرده‌اند بلکه حتی نام آزادی را نمی‌توانند بر زبان بیاورند و حتی یاد آزادی و غم آزادی و اندیشیدن به آزادی در خلوت و کنج خانه برایشان جرم است» (مجموعه آثار جلد ۱۲ - صفحه ۲۲۸).

عملی برسد که اصلاً یک ملتی عادت به تفکر کرده باشد و اندیشیدن را بیاموزد و بداند» (مجموعه آثار جلد ۱۸ - صفحه ۴).

«جامعه‌های بدون ریشه و بدون آمادگی و بدون تغییر اندیشیدن و تغییر تفکر و بدون سوار کردن تمدن بر پایه‌ها و ریشه‌ها و عمق خاک فرهنگی و تاریخی و قومی خودشان نه تنها دارای تمدن نمی‌شوند بلکه شانس تمدن داشتن را هم از دست می‌دهند» (مجموعه آثار جلد - ۲۰ صفحه ۸۸).

و شعار حمایت‌اش از خودآگاهی اعتقادی به عنوان سر پل انتقال خودآگاهی طبقاتی، خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی به متن جامعه: «نهضت فکری و ایمان و یافتن جهت و هدف مشترک معجزه می‌کند یک جامعه منحط را نمی‌توان با نصیحت و موضوع انشاء و اخلاق و موعظه معمولی پدر و مادر تغییر داد بلکه با یک خیزش فکری و آگاهی و ایجاد گرمای ایمان و احساس تعهد و یافتن هدف مشترک در همه گروه‌ها و قشرهای مختلف است که چنین معجزه‌هایی صورت می‌گیرد که مثل هر معجزه‌هایی سریع و غیر قابل پیش بینی و غیر قابل تصور است».

«تجربه‌های انقلابی و فکری و اصلاحی نشان داده است که در جامعه‌ای فاسد که هر نوع فسادی در عمق جان و استخوانش ریشه کرده است و همه روشنفکران ظاهر بین از آینده ملت و سرزمین نا امید بوده‌اند ناگهان با یک جوشش اعتقادی و فکری آگاهانه همه پلیدی‌ها پاک شده است و مردم همه از لباسهای چرکین در آمده‌اند» (مجموعه آثار جلد ۱۶ - صفحه ۲۰۰).

و شعار حمایت‌اش از پرورش نیروهای پیشگام در استراتژی اقدام عملی سازمان گرایانه حزبی: «آدم بی سواد سیاستش قیل و قال‌های بی ریشه است و خدمتش پوچ و حقیر و زندگی‌اش و لذت‌گند و سطحی و عامیانه و بی ارزش - ارزش و عمق و اصالت هر کاری به میزان خودآگاهی رشد شخصیت و سرمایه و غنای فرهنگ و فکر آدمی وابسته است».

«باید فرهنگ داشت ذخایر فکر بشری را به چنگ آورد با آنچه نبوغ‌ها و تمدن‌های بزرگ انسانی نوع انسان ساخته‌اند شناسایی یافت بعد هر کاری که می‌خواهی بکن و هر حرفی که خواهی داشت بزن می‌باشد» (مجموعه آثار جلد یک - صفحه ۹۲).

۳۴ سال از تنها گذاشتن مان توسط مریمی‌ائی می‌گذرد که برای او مبارزه سازمان گرایانه حزبی صورتی دراز مدت و چند نسلی داشت:

«در راه حل‌های اجتماعی نباید به کوتاهترین راه حل اندیشید بلکه باید به درست‌ترین راه فکر کرد همه این روشنفکرها به خاطر این به هیچ نتیجه ای نرسیده‌اند که می‌خواسته‌اند چند تا راه کشف کنند و بعد به نتیجه برسند و وقتی دیدند به نتیجه نمی‌رسند مایوس می‌شدند می‌رفتند شعر نو می‌گفتند و... ما باید به درست‌ترین راه توجه کنیم اگر می‌خواهیم کارهای سطحی انجام بدهیم آن‌ها کارهایی است که هزار مرتبه انجام شده و دو مرتبه برگشته‌ایم به نقطه اول» (مجموعه آثار جلد بیست - صفحه ۴۹۸).

«در این کار باید بهترین و منطقی‌ترین طریقه را انتخاب کنیم نه نزدیکترین طریقه را برای اینکه احتمالاً نزدیکترین طریقه منطقی‌ترین طریقه نیست».

«مسئله این است که ما باید بیشتر فداکاری بکنیم و کمتر توقع داشته باشیم بر خلاف امروز که روشنفکر بیشتر توقع دارد و کمتر فداکاری من ترجیح می‌دهم دو نسل و یا نسل کار بکنیم و بعد به نتیجه برسیم اما اگر بخواهیم در عرض ۱۰ سال به نتیجه برسیم باز بر می‌گردیم به ۱۰۰ سال عقب‌تر همیشه یک تجربه عجیب در تمام آفریقا و آسیا شده کسانی که به سرعت به نتیجه رسیده‌اند بعد امتیازات قبل از انقلابشان را هم از دست داده‌اند من همه انقلابات زودرس را نفی می‌کنم».

«من هیچوقت دست‌نپاچه نیستم که زودتر به نتیجه برسم فقط مضطرب هستم

آثار جلد ۳۳ - صفحه ۱۳۶).

جمله مبهم است و ممکن است غلط باشد باید دید این آقا در کجا و در چه زمانی و جایگاه اجتماعی و در چه مرحله‌ای از تاریخ روشنفکر است» (مجموعه آثار جلد بیستم - صفحه ۴۶۵).

۳۴ سال پیش اندیشمند بزرگی را از دست دادیم که معتقد بود که آنچنانکه ما نمی‌توانیم دارای پیشگام عام کلی فرازمانی و فراتاریخی برای همه جوامع قائل باشیم نمی‌توانیم به یک تئوری عام کلی فرازمانی و فراتاریخی برای تمامی مراحل مبارزه خلق‌ها قائل بشویم بلکه بالعکس برای هر مقطع تاریخی از مبارزه باید به تئوری و ایدئولوژی خاص آن اعتقاد داشته باشیم.

«در دوره مبارزه ضد استعماری باید ایدئولوژی ملی باشد در مبارزه طبقاتی باید ایدئولوژی طبقاتی باشد و در مبارزه اومانیستی ایدئولوژی باید اومانیستی باشد» (مجموعه آثار جلد چهارم).

۳۴ سال قبل در کوران اعتلای جنبش اجتماعی خلق ما متفکری خاموش گردید که اگرچه در عرصه استراتژی اقدام عملی سازمان گرایانه حزبی خود بر خودآگاهی اعتقادی به عنوان سر پل انتقال خودآگاهی طبقاتی و خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی به متن توده‌ها معتقد بود ولی هرگز بر خودآگاهی اعتقادی که از نظر او بر پایه نجات اسلام قبل از مسلمین تحقق پیدا می‌کرد یک تکیه مجرد ذهنی نمی‌کرد بلکه آن را در پیوند دیالکتیکی با عمل اجتماعی یا پراکسیس تبیین می‌نمود.

«فکر و عمل دو مرحله پشت سر هم و مقدم و موخر نیست و میان این دو رابطه علیت یک جانبه بر قرار نیست بلکه میان این دو رابطه علیت متقابل و دو جانبه وجود دارد که به طور مداوم در تاثیر و تاثر از یکدیگرند چنانکه یکی از برجسته‌ترین متفکران اجتماعی قرن ما بیان کرده است میان عقیده و عمل یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد» (مجموعه آثار جلد هفتم - صفحه ۲۴).

۳۴ سال پیش شمعی خاموش گردید که هم شمع بود (علی شریعتی مزینانی) و هم چون شمع به جمع روشنائی بخشید و خودش تنها سوخت و هم چون شمع در دل شب‌های تاریک تاریخ ما سوخت و با سوختن پیوسته خود قطره قطره آب گشت ولی تمامی پیام سوختن‌اش در دل شب‌های تاریک تاریخ ما فقط و فقط این جمله بود که در جامعه ایران هر کس که مشتاق حرکت یا اصلاح یا انقلاب یا رفرم می‌باشد یک راه بیشتر ندارد و آن عبور از کانال و تونل مذهبی و اسلام بر پایه خودآگاهی اعتقادی در کانتکس نجات اسلام قبل از مسلمین و سر پل انتقال قراردادن خودآگاهی اعتقادی شیعه علوی و اسلام محمدی توسط انتقال دیگر خودآگاهی‌های طبقاتی و اجتماعی و انسانی و سیاسی.

«من معتقدم که باید از طریق دین در وجدان فردی و اجتماعی یک جامعه مذهبی حلول کرد و او را بیدار کرد با او زبان و احساس مشترک یافت و حرف زد این تنها راه ممکن است و تجربه‌های بسیار آن را ثابت کرده است مبارزه با مذهب تنها نتیجه‌ای که داشته است اسارت بیشتر مردم در چنگ دسیسه‌ها سرمایه داری غرب بوده است یک مذهبی که مذهبش را از او می‌گیرند چه می‌شود؟ یک روشنگر؟ هرگز! یک مصرف کننده کالاهای اروپایی و هیچ یک موجود رام و بی تعصب در برابر هجوم غرب و این نیز تجربه شده است و بسیار» (مجموعه آثار جلد ۳۳ - صفحه ۱۰۳۲).

«این روشنفکر به وسیله مبارزه با مذهب در جامعه اسلامی توده را از قطب روشنفکری می‌هراساند و می‌راند و او برای فرار از دست روشنفکر ضد مذهبی به عوامل ارتجاعی و انحرافی و استعماری که به

۳۴ سال پیش مصباح هدایتی خاموش گردید که در عرصه مبارزه رهایی‌بخش و دموکراتیک و سوسیالیستی که بر پایه خودآگاهی اعتقادی و خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی طبقاتی و خودآگاهی سیاسی استوار می‌باشد در تکوین این خودآگاهی‌ها بین کار فکری و کار عملی دیوار چین بر قرار نمی‌کرد بلکه بالعکس در پیوند با یکدیگر آن‌ها را مطالعه می‌کرد.

«نمی‌خواهم به صورت کلاسیک در یک نهضت دو مرحله کار فکری و کار اجتماعی را یا ایدئولوژی و عمل را از هم تفکیک کنم این دو بهم در آمیخته‌اند و این آمیختگی از مشخصات پیش اسلامی است در مذهب ما یک جوان درست در همان سالی که به تکلیف می‌رسد توحید و معاد و نماز همراه امر به معروف و نهی از منکر و جهاد برایش وظیفه می‌شود این عبارت عمیق که گوئی تجربه عملی و انقلابی تمامی نهضت‌های تاریخ را با خود دارد از علی است که: **من الایمان یستدل بالعمل و من العمل یستدل بالایمان** اما می‌خواهم بگویم تکیه گاه‌ها فرق می‌کند و نباید فراموش کنیم که دوران بیست و سه ساله بعثت به دو دوران سیزده و ده ساله تقسیم شده است» (مجموعه آثار جلد یک - صفحه ۲۱۳).

۳۴ سال پیش کشتی نجاتی ما را در اقیانوس پر تلاطم تحولات تاریخی - اجتماعی ایران رها کرد و رفت که مانند پیامبر اسلام معتقد به تقدم خودآگاهی اعتقادی برای نجات اسلام قبل از مسلمین بر پایه دوران مکیه محمد بود.

«اگر ما اسلام را نجات ندهیم و فقط مسلمین را نجات دهیم یعنی فقط آزاد سازی سیاسی اجتماعی بکنیم دو باره خودش را باز تولید خواهد کرد» (مجموعه آثار جلد ۱۰ - صفحه ۲۲۴).

۳۴ سال پیش در کوران آوارگی سینیای تاریخ ایران زمین موسائی را از دست دادیم که رسالت پیشگام و حزب مستضعفین را تنها در خودآگاهی بخشیدن اعتقادی و اجتماعی و سیاسی و طبقاتی در بستر عمل و نظر می‌دانست. روسو می‌گوید: «برای مردم راه نشان ندهید و تعیین تکلیف نکنید فقط به آن‌ها بینائی ببخشید خود راه‌ها را به درستی خواهند یافت و تکلیفشان را خواهند شناخت».

«رسالت پیشگام در یک کلمه عبارت است از وارد کردن واقعیت‌های ناهنجار موجود در بطن جامعه و زمان به احساس و آگاهی توده‌ها».

«علت نا کامی انقلاب مشروطه ما جز این نبود که رهبران بی آنکه به مردم آگاهی اجتماعی و بینائی سیاسی بدهند به هدایت خلق و راه حل نهائی پرداختند و دیدیم که ثمره تحمیل انقلاب بر جامعه‌ای که به آگاهی نرسیده و فرهنگ انقلابی ندارند جز مجموعه‌ای از شعارهای مترقی اما ناکام خواهد بود» (مجموعه آثار جلد چهارم).

۳۴ سال پیش فانوس هدایتی را از دست دادیم که به مبارزه اجتماعی و مبارزه طبقاتی و مبارزه سیاسی خلق‌ها به صورت عام و کلی و کلاسیک نگاه نمی‌کرد بلکه به صورت کنکریت به آن می‌نگریست.

«به قول گورویچ جامعه وجود ندارد جامعه‌ها وجود دارد» (مجموعه آثار جلد چهار - صفحه ۵۶).

«روشنفکر نسبی است روشنفکر مرحله‌ای است استراتژی ثابت فراتاریخی نداریم» (مجموعه آثار جلد هفتم - صفحه ۱۱۴).

«روشنفکر وجود ندارد کسی نمی‌تواند بگوید من روشنفکرم زیرا این

سلام بر شریعتی پرومته آگاهی بخش خلق در زنجیر استعمار و استبداد و استعمار ایران زمین

سلام بر شریعتی مصباح هدایت و سفینه نجات

سلام بر شریعتی فریادی در سکوت و جرقه‌ائی در ظلمت مبارزات خلق محروم ایران زمین

سلام بر شریعتی حلقه‌ائی از زنجیر نهضت تسلسلی ابراهیم خلیل

سلام بر شریعتی مهاجر آواره سینای تاریخ قبطیان زر و زور و تزویر ایران زمین

سلام بر شریعتی وارث آتش جبل نوری که ۱۴۰۰ سال است بر بشریت مشتعل گشته است

سلام بر شریعتی مصلوب صلیب اسلام فقاقت

سلام بر شریعتی قنیل قابیل زر و زور و تزویر

سلام بر شریعتی وارث ابراهیم و محمد

سلام بر شریعتی پیام آور آگاهی و آزادی و قدرت

سلام بر شریعتی آگاهی مظلوم و اسلام حق

سلام بر شریعتی کلمه آگاهی

سلام بر شریعتی کلمه آزادی

سلام بر شریعتی کلمه برابری

سلام بر شریعتی فریاد خاموش

سلام بر شریعتی انسانیت مظلوم

سلام بر شریعتی فرقان ظلمت سوز

سلام بر شریعتی نور نور نور نور

سلام بر شریعتی آب آب آب آب

سلام بر شریعتی شاگرد مصدق

سلام بر شریعتی پیرو ابوزر

سلام بر شریعتی خندق باطل سوز

و آخرین سلام به آرامگاه ساکت و خاموش گوشه زینبیه که به اندازه تمامی تاریخ فریاد و خروش است ♦

والسلام

ظاهر حامی مذهب‌اند پناه می‌برد و به این شکل رابطه مردم با روشنفکر قطع می‌شود و روشنفکر تنها می‌ماند» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۲۸۴).

«روشنفکر باید از تقلید و سطحی نگریستن مسائل بر حذر باشد و پی ببرد که این نقش منحط مذهبی که اکنون در میان توده وجود دارد به مذهب و فرهنگ حقیقی اسلامی که زیربنای عقاید جامعه‌اش را می‌سازد ارتباطی ندارد و تجربه ضد مذهبی مسیحیت قرون وسطی را نمی‌توان به گذشته و حال اسلام تعمیم داد روشنفکر جامعه ایران جبراً لازم است که اسلام شناس باشد» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۲۸۵).

«روشنفکر نیز باید در عمق وجدان توده خودش حضور پیدا کند بنابراین روشنفکر ما باید بفهمد که روح غالب بر فرهنگ‌اش روح اسلامی است و اسلام است که تاریخ و حوادث و زیربنای اخلاقی و سیاست‌های جامعه‌اش را ساخته است و اگر به این واقعیت پی نبرد در جو مصنوعی و حدود خودش گرفتار می‌گردد» (مجموعه آثار جلد ۲۰ - صفحه ۲۸۳).

«مبارزه روشنفکران علیه مذهب در جامعه‌های اسلامی بزرگترین خدمت را به عمال جنابیت و ارتجاع و دشمنان فریبنده مردم کرده است زیرا با مخالفت اینان توده مردم مذهبی دست از دین بر نمی‌دارند ولی کسانی که خود را پاسدار دین و وضع خود را منطبق با دین معرفی می‌کنند زیر پایشان محکمتر می‌شود و در حمله به نهضت روشنفکری و عدالتخواهی و آزادی قوی دست‌تر می‌شوند! روشنفکر جامعه ما باید این دو اصل را بداند که اولاً جامعه ما اسلامی است و ثانیاً اسلام یک حماسه اجتماعی و متحرک است اگر یک متفکر بتواند نهضت خود را برای بیداری و آگاهی و رشد اجتماعی و فرهنگی توده‌های ما بر این پایه استوار کند موفقیتش حتمی و سریع است» (مجموعه آثار جلد ۱ - صفحه ۱۲۵).

۳۴ سال پیش در چنین زمانی میهمان مسجد مهمان کش جامعه سنتی ما در شرایطی خاموش گردید که آتشی که او پرومته وار از خدایان آسمان برای بشر زمینی ایران زمین دزدیده بود بر هیمة‌های خشک خلق ما موثر واقع شده بود و آنچنان آن آتش کوچک پرومته ما در انبوه هیمة‌های فروزان خلق شعله ور گردیده بود که دیگر هیچ دیکتاتوری را یارای خاموش کردن آن نبود اما آنچه که در این رابطه نباید فراموش کنیم اینکه آن آتش پرومته شریعتی از کلمه و ابلاغ و پیام حاصل شده بود نه از سلاح و چریک و گلوله.

«اما نباید مثل نیمه روشنفکرانی که از کلمات فقط صدای حروف‌اش را می‌شنوند و سپس حوصله‌شان سر می‌رود و فریاد می‌زنند حرف بس است باید عمل کرد! متوجه نبود که حرف داریم و حرف حرفی داریم که حرف است و حرف هم می‌ماند حرفی داریم که عمل می‌زاید و حرکت می‌آفریند و بیداری می‌دهد و رسواگری می‌کند و حرفی داریم که خود زدنش عمل است و نیز حرفی داریم که عمل وسیله ای است برای زدن آن! یعنی حرف هدف عمل است و عمل مقدمه و وسیله حرف!» (مجموعه آثار جلد یک - صفحه ۶۲).

«حقیقت را با گلوله کلمات آتشین بر سپاه سیاه دشمن شلیک کردن خفته‌ها را بیدار کردن و... مگر پیامبران که تاریخ‌ها را دگرگون کرده‌اند و زمان‌ها را خلق و تمدن‌ها را بنیاد جز پیام را ابلاغ کرده‌اند؟... کار روشنفکر هم همین است: ابلاغ پیام» (مجموعه آثار جلد یک - صفحه ۶۳).

سلام بر شریعتی

سلام بر معلم کبیر آگاهی و آزادی و پیام

وب سایت:

www.nashr-mostazafin.com

ایمیل آدرس تماس:

Info@nashr-mostazafin.com

تلفن های تماس:

۰۰ ۳۲ ۴۸ ۶۱۱ ۰۳ ۰۸

۰۰۱ ۹۱۴ ۷۱۲ ۸۱ ۸۳

"ادامه مقاله: نشر مستضعفین دو ساله شد"

معلم و در نوک پیکان آن‌ها طبقه کارگر ایران و زحمتکشان شهر و روستا) در بستر جنبش دموکراتیک ایران مسیر اعتلای آن را تبیین نمود.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ یعنی در آن زمانی که توده‌های ایران با عصیان بر علیه کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ماه ۸۸ حاکمیت مطلقه فقهانی ایران استبداد را به چالش کشیده بودند و نیروهای دموکراتیک ایران یک صف و یک صدا با عصیان بر علیه نظام تکلیف آزادی و دموکراسی را فریاد می‌زدند و آزادی و انتخابات و تعیین سرنوشت سیاسی را برای اولین بار در تاریخ مبارزه دموکراتیک خلق ایران - که از مشروطیت شروع شده بود - حق مسلم خود می‌دانستند (نه هبه‌انی عطا شده از سردمداران زر و زور و تزویر)، نوزادی پا به عرصه وجود گذاشت که در راستای وظایف دموکراتیک فوری خود و با مخاطب قرار دادن نیروهای دموکراتیک حاضر در صحنه (از زنان و دانشجویان و کارگران و زحمتکشان شهری و کارمندان و دانش آموزان گرفته تا تمامی نیروهای سیاسی پیشگام و روشنفکران آزادیخواه) بر پایه استراتژی خودآگاهی بخش خود با تکیه بر خودآگاهی سه گانه که شامل:

الف - خودآگاهی اعتقادی

ب - خودآگاهی اجتماعی

ج - خودآگاهی سیاسی

و همراه با عمده کردن مؤلفه خودآگاهی اعتقادی زیر شعار «نجات اسلام قبل از مسلمین» در بستر پراکسیس جنبش اجتماعی خلق ایران استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه توده‌انی را که در بستر اعتلای سه جنبش اجتماعی به رهبری قشر گسترده زحمتکشان متوسط شهری و جنبش دموکراتیک خلق ایران که در کانتکس سه جنبش:

الف - دموکراتیک که شامل جنبش دانشجویی و دانش آموزی و معلمان و جنبش زنان،

ب - جنبش سیاسی نیروهای پیشگام،

ج - جنبش سوسیالیستی، که به رهبری طبقه کارگر ایران حاصل می‌شود، در دستور کار خود قرار داد.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ نوزادی از مادر ۳۴ ساله متولد گردید که معتقد بود که، از آنجائیکه جامعه ایران یک جامعه مذهبی می‌باشد (آنچنانکه هگل می‌گوید در یک جامعه مذهبی هر رفرمی و اصلاحاتی و انقلابی باید از کانال مذهبی عبور کند) در راستای دستیابی به این مقصود بر پایه عمده کردن خودآگاهی اعتقادی (که خود جاده صاف کن خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی در جامعه ایران است) در کانتکس شعار «نجات اسلام قبل از مسلمین» گام برداشت.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری که از ۳۴ سال پیش که گفتمان چریک‌گرایی مدرن و چریک‌گرایی سنتی، نُقل و نبات هر مجلسی شده بود و استراتژی تحزب‌گرایانه بر پایه اقدام عملی سازمان‌گرایانه توده‌انی - به

۱. توسط تبیین مبانی فلسفی اسلام و تفسیر مبانی فکری قرآن و تشریح کاراکتر و تیپولوژی شخصیت‌های تاریخی اسلام که در راس آن‌ها پیامبر اسلام و علی ابن ابیطالب و ابودر و... قرار داشتند و تحلیل انواع اسلام‌شناسی در بستر تاریخ بعد از محمد و تدوین اندیشه شریعتی و اقبال - ابشخورهای فکری خودش در این زمان - و تالیف تئوری سوسیالیسم کنکریت علمی - اسلامی برای اولین در ایران و اسلام.

علت فرصت طلبی‌های تاریخی جریان‌های حزبی غیر مذهبی که از بعد از شهریور ۲۰ در ایران جاری و ساری گشته بودند - در محاق اجتماعی و تاریخی قرار گرفته بود، در زمانی که جنبش خودآگاهی بخش شریعتی به علت تعطیلی ارشاد و حبس و حصار شریعتی به بن بست رسیده بود و شرایط برای حضور اغیار میوه چین غاصب فراهم می‌شد و اندیشه اسلام در غیاب شریعتی و ارشاد باز در زندان فقه فقاقت و حوزه و ارتجاع گرفتار آمده بود و بورژوازی در لباس مدرنیته در لوای به چالش کشیدن سنت‌های منجمد گذشته تمامی ارزش‌های مذهبی و تاریخی این مرز بوم را نفی می‌کرد و استبداد و اختناق استخوان سوز سیاسی نظام پهلوی مانند یک بختک بر کل جامعه ایران افتاده بود و تمامی جنبش‌های سه گانه ایران، اعم از جنبش سیاسی و جنبش اجتماعی و جنبش سوسیالیستی دوران رکود و محاق خود را سپری می‌کردند، پرچم به زمین افتاده استراتژی تحزب‌گرایانه اقدام عملی سازمان‌گرایانه شریعتی را یک تنه با حداقل بضاعت تشکیلاتی بر دوش گرفت و تک سوارانه در دوران سی ساله «غاسق و اقب» و حاکمیت مطلقه فقهانی این پرچم را در میان آتش و خون و زندان و شکنجه و دربردی و آوارگی دست به دست چرخانید تا آن را از «شر نفاتات فی العقد» در امان نگه دارد، فرزندی به دنیا آمد که به خاطر اینکه از همان اوان جامعه ایران را یک جامعه مذهبی ارزیابی می‌کرد که مذهب فقهانی منجمد حوزه در کانتکس یک اسلام منجمد و پوزیتیویستی و قشری و استبدادپرور فقهی ایمان مردم آن شده بود - مطابق آنچه کارل مارکس در کتاب ایدئولوژی آلمانی می‌گوید - بزرگترین نقد جامعه ایران را نقد مذهبی اعلام کرد و بر پایه نقد مذهبی اسلام فقهانی حاکم بر ایران بود که پرچم خودآگاهی اعتقادی در بستر یک انقلاب تئوریک و نظری در بستر پراکسیس اجتماعی ایران به انجام می‌رسید، به احتراز در آورد و پیشاپیش جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ۸۸ با دست‌هایی ضعیف ولی پاهائی نیرومند و اندیشه‌ای بالان به راه افتاد، تا شعار سازمان‌گرایانه حزبی (که برعکس سازماندهی تشکیلاتی که از دل حزب می‌گذرد) از دل جنبش‌های اجتماعی و جنبش‌های دموکراتیک و جنبش‌های سوسیالیستی عبور دهد و بر پایه خودآگاهی اعتقادی در جامعه ایران ایجاد خودآگاهی سیاسی و اجتماعی کند و توسط مرکب خودآگاهی اعتقادی، آتش خودآگاهی طبقاتی و سوسیالیستی و خودآگاهی دموکراتیک در جان نیروهای سوسیالیستی و نیروهای دموکراتیک شعله ور نماید تا توسط آن در نگاه و احساس و اندیشه توده‌های به استضعاف کشیده ایران انقلابی طراز نوین به وجود آورد تا با اعتلای خواسته‌های سیاسی و دموکراتیک و سوسیالیستی مردم ایران شرایط را برای یک جامعه به آزادی رسیده که بر فوندانسیون اجتماعی شدن قدرت در سه شکل آن:

الف - اجتماعی شدن ثروت،

ب - اجتماعی شدن سیاست،

ج - اجتماعی شدن معرفت، استوار می‌باشد، هموار سازد.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ همزمان با به لرزه افتادن پایه‌های قدرت نظام مطلقه فقهانی حاکم بر مردم ایران توسط مبارزه حق طلبانه و آزادی خواهانه و رهائی بخش خلق در بند ایران، در عصری که سرنیزه لباس فقاقت بر تن کرده بود و استبداد شعار شریعت سر می‌داد و شکنجه گاه‌های اوین و کهریزک تابلو مذهب بر خود حمل می‌کردند و آزادی جامعه ایرانی در مسلخ فقاقت به صلیب کشیده شده بود و عدالت اجتماعی مردم ایران توسط منجیق اسلام فقهانی در آتش شرک بورژوازی ایران و بورژوازی جهانی به آتش کشیده بودند و طبقه کارگر ایران را در حصار مبارزه صنفی زمین گیر کرده بودند و اسلام محمد را وجه معامله یا وجه المصالحه حاکمیت اسلام استبدادپرور و زورمدار و قدرت طلب و زرپرست و زهدفروش و ریاکار و تزویرگر و زن ستیز و تمامیت خواه و دنیاپرست و گذشته‌گرای فقهانی حوزه کرده بودند، از مادری ۳۴ ساله

را جانشین تشکیلات کرد تا توسط آن بتواند عرصه عملی جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی را جولانگاه پراکسیس خود برای انجام سازمان‌گری جنبش‌ها بکند و بدین ترتیب بود که از نگاه این کودک دو ساله اگر رابطه جنبش و تحزب، جانشین رابطه تشکیلات و حزب نشود و اصل تشکیلات در بستر جنبش معنی نگردد و تشکیلات در عرصه حزب معنی بشود، نه تنها حزب به عنوان یک نهاد در خواهد آمد و تشکیلات در عرصه آن به صورت یک قدرت عرضه اندام خواهد کرد، بلکه مهم‌تر از آن دیگر چنین حزبی جز در خدمت کسب قدرت حاکم فونکسیون نخواهد داشت و چنین حزبی با چنین تشکیلاتی با استراتژی تحزب‌گرایی سازمان‌گر توده‌ای از فرش تا عرش با حزب فوق متفاوت خواهد بود، چراکه در استراتژی تحزب‌گرایی سازمان‌گر توده‌ای:

اولا تشکیلات به جای حزب در بستر جنبش به انجام می‌رسد.

در ثانی حزب در خدمت سازمان‌گری جنبش‌های سه گانه است نه در خدمت کسب قدرت حاکم به هر طریق.

در ثالث تحزب به صورت یک پروسس در می‌آید نه مانند حزب که یک نهاد در خدمت یقه سفیدهای حاکم می‌باشد.

آنچنانکه در رابطه با اصل شورا، همین رابطه برقرار می‌باشد یعنی تا زمانی که اصل شورا مانند حزب، صورت نهادی و ساختاری و تشکیلاتی داشته باشد از نگاه این کودک دو ساله حرکتی مردود و عوام فریبانه می‌باشد، ولی اگر اصل شورا مانند اصل تحزب‌گرایی به صورت یک پروسس یا نظام در خدمت اقدام عملی سازمان‌گرایانه توده‌ای باشد در آن صورت اصل شورا مانند اصل تحزب‌گرایی مثبت و مترقی خواهد بود.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ماه سال ۸۸ در کوران اعتلای جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد ماه ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی به دنیا آمد که با طرح شعار در دستور قرار دادن وظایف دموکراتیک، به جای وظایف سوسیالیستی و مخاطب قرار دادن تمامی نیروهای دموکراتیکی که وظایف دموکراتیک را در دستور کار خود قرار می‌دهند، از طبقه کارگر ایران گرفته تا زنان ایران و دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان و کارمندان و قشر زحمتکش شهری به جنگ گفت‌وگو پورتونیستی لیبرال دموکراسی رفت که می‌کوشیدند با طرح اندیشه‌های لیبرالیستی در لباس مذهب و حتی اندیشه شریعتی، اندیشه‌های دموکراتیک و سوسیالیستی را به مسلخ تاریخ روانه کنند تا خود زیر لوای شعارهای جهانی لیبرالیستی در عرصه‌های لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی و معرفتی و اخلاقی و اجتماعی پایان دوران مرحله و وظایف دموکراتیک و سوسیالیستی را اعلام کنند.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی متولد گردید که با اعلام مرحله و وظایف دموکراتیک به جای گفت‌وگو لیبرالیستی در راستای مرحله سوسیالیستی خطر استراتژیک گفت‌وگو چریک‌گرایی مدرن در ایران که مانند آتش زیر خاکستر آینده جنبش دموکراتیکی و سوسیالیستی ایران را تهدید می‌کرد، برای اولین بار مطرح کرد چراکه بر پایه تجربه پراتیک صد ساله‌ای که جنبش اجتماعی و جنبش سیاسی و جنبش دموکراتیک و جنبش سوسیالیستی ایران دارد تنها عاملی که پیوسته این جنبش‌ها را تهدید می‌کرده است و تا مرز نابودی پیش برده است، آنتاگونیست بوده است - که آنچنانکه در جنبش‌های دموکراتیک کشورهای عربی مشاهده کردیم بزرگترین عامل تهدید کننده این جنبش‌ها آنتاگونیست می‌باشد - که از طرفی شرایط جهت سرکوب فراهم می‌کند و از طرف دیگر به علت اینکه هزینه مبارزه را بالا می‌برد زمینه سکتاریسم و بی تفاوتی بخش بزرگی از نیروهای دموکراتیک را فراهم می‌کند. البته بزرگترین عامل پیدایش آنتاگونیست در عرصه مبارزه دموکراتیک و سوسیالیستی توده‌ای، چریک‌گرایی مدرن و چریک‌گرایی سنتی می‌باشد

کودکی زائیده شد که پرچم به زمین افتاده اجتهاد در اصول علامه اقبال لاهوری در راستای ایجاد خودآگاهی اعتقادی و تحقق شعار «نجات اسلام قبل از مسلمین» که توسط شعار اجتهاد در فروع حوزه‌های به گل نشسته فقهی فراموش شده بود، در جامعه ایران و دنیای اسلام و مسلمانی به اهتزاز در آورد که بر پایه این شعار علامه اقبال لاهوری اعلام کرد که «برای نجات اسلام محمد و اسلام قرآن از حصار اسلام حوزه و فقهت و زنگار فقهاتی که در طول ۱۰۰۰ سال بر اسلام وحی نشسته است، تنها یک راه برای مسلمین باقی مانده است و آن اینکه با اصل فرقانی اجتهاد در اصول علامه اقبال لاهوری به جان تمامی اصول و فروع به ارث رسیده از وحی محمد بیافتیم تا توسط آن علاوه بر اینکه بتوانیم شرایط زندگی کردن در این جهان و عصر و زمان برای دین محمد فراهم کنیم، سره‌ها را از ناسره باز شناسیم.»

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی متولد گردید که با اعلام شرایط جامعه ایران در مرحله دموکراتیک و نفی تمامی جریان‌هایی که به صورت سکتاریستی شعار سوسیالیستی سر می‌دادند و توسط آن طبقه کارگر ایران را در محاق جنبش اجتماعی قرار داده بودند، وظایف دموکراتیکی که در راس آن‌ها آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی مطبوعات، آزادی تشکلات صنفی، سیاسی و اجتماعی و آزادی عقیده می‌باشد (البته نه در شکل لیبرالیستی و بورژوازیانه آن، بلکه در راستای سوسیالیستی‌اش) در دستور کار خود قرار داد و بر پایه اعتقاد به مرحله دموکراتیک و تکیه بر وظایف دموکراتیک، به جای وظایف سوسیالیستی با تکیه بر نیروهای دموکراتیک در کنار طبقه کارگر علاوه بر اینکه طبقه کارگر ایران را از حصار سکتاریستی نجات داد، معتقد به جایگزینی موقت وظایف دموکراتیک به جای وظایف سوسیالیستی طبقه کارگر ایران گردید تا توسط آن طبقه کارگر ایران بتواند پیشاپیش جنبش دموکراتیک و اجتماعی ایران^۲ شرایط پیروزی جنبش اجتماعی و دموکراتیک ایران را فراهم کند.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد سال ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی متولد گردید که در عرصه خودآگاهی اعتقادی و شعار «نجات اسلام قبل از مسلمین» خود و شعار «اجتهاد در اصول» اقبال، شعار بازسازی تفکر دینی اقبال را بر پایه پنج زبان:

الف - زبان قرآنی،

ب - زبان فلسفی،

ج - زبان عرفانی،

د - زبان سیاسی،

ه - زبان علمی، در کانتکست تئوریزه کردن، توسط تبیین قرآنی و عرفانی و فلسفی و علمی همه مبانی اندیشه دینی در اسلام محمدی استوار گردانید.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی زائیده شد که در عرصه استراتژی، ابتدا شعار «حزب غیر از تحزب است» سر داد و در لوای این شعار حزب را یک نهاد یا ساختار نامید، در صورتی که تحزب‌گرایی را یک پروسس خواند که در راستای آن حزب را بر پایه تشکیلات معنی کرد، در صورتی که تحزب را بر پایه اقدام عملی سازمان‌گرایانه توده‌ای تعریف نمود که امکان انجام آن تنها در بستر جنبش‌های سه گانه اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی وجود دارد، یعنی در عرصه استراتژی اقدام عملی سازمان‌گرایانه حزبی، جنبش

۲. مانند ۱۸ شهریور ماه سال ۵۷ که با بستن شیرهای نفت توسط کارگران صنعت نفت ایران حکومت شاه را رفتنی کردند.

دموکراتیک در کنار نیروهای دیگر مطرح می‌شود.

اما مخاطبین سوسیالیستی مشمول آن نیروهای از جامعه می‌شود که حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن‌ها در گرو تحقق این وظایف است که در راس آن‌ها طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا می‌باشد.

به همین ترتیب مخاطبین پوپولیسم اشاره به آن دسته از مخاطبینی است که اگر چه از نظر تاریخی دارای آن موقعیت تاریخی نمی‌باشند، ولی به علت کثرت کمی جمعیتی که در جامعه دارند باعث شده تا مورد توجه نیروهای هژمونی طلب قرار گیرند.

بالاخره در خصوص مخاطبین پوزیتیویستی اشاره به آن دسته از مخاطبینی است که به علت اعتقادات قشری خود شرایط جهت جلب آن‌ها توسط مدعیان متولی اعتقادات قشری فراهم کند.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی زائیده شد که بر پایه تثلیث خودآگاهی اعتقادی و خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی در راستای پیوند با مخاطبین بر پایه تثلیث پیوند تئوریک و پیوند تشکیلاتی و پیوند ابزاری معتقد به عمده بودن پیوند تئوریک در کانتکس خودآگاهی اعتقادی، جهت انجام خودآگاهی اجتماعی و سیاسی بود چراکه در کادر استحاله تئوری به خودآگاهی اعتقادی و تحول خودآگاهی اعتقادی به خودآگاهی سیاسی و اجتماعی، خود به خود پیوند ارگانیکی بین پیشگام و مخاطب به وجود می‌آید که در این رابطه تشکیلات و ابزار اعم از سایت یا صدا و سیما و یا کتاب و... همه در خدمت انتقال این آگاهی اعتقادی به جامعه هستند. در عرصه استحاله این آگاهی اعتقادی به خودآگاهی اجتماعی و سیاسی است که با تحول در تثلیث نگاه و احساس و اندیشه مخاطب انجام پیوند ارگانیک بین پیشگام و مخاطب ممکن می‌شود.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی به دنیا آمد که در راستای تثلیث استحاله خودآگاهی اعتقادی به خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی، چگونگی استحاله خط فکری به خط حرکتی را تبیین کرد، چراکه بر مبنای این نگرش زمانی که تئوری یا اندیشه یا خط فکری توانست در عرصه پراکسیس سیاسی اجتماعی وارد خودآگاهی جامعه بگردد و توسط آن بدل به خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی بشود، طبیعی است که در آن صورت با شکل‌گیری خودآگاهی اعتقادی و خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی خود به خود خط فکری به خط حرکتی بدل می‌گردد، یعنی عامل حرکت اجتماع خودآگاهی می‌باشد و تا زمانی که آگاهی وارد اندیشه و احساس طبقه و جامعه و قشر و... نگردد خودآگاهی حاصل نمی‌شود و به مجرد اینکه آگاهی‌های چهارگانه:

الف - اعتقادی،

ب - طبقاتی،

ج - سیاسی،

د - اجتماعی،

توانست از کانال آگاهی مذهبی در یک جامعه مذهبی وارد احساس و اندیشه افراد آن جامعه بشود جنبش و حرکت و خط حرکتی تحقق خارجی پیدا می‌کند. البته پر واضح است که در یک جامعه مذهبی با یک جامعه سکولار و لائیک مکانیزم تکوین خودآگاهی در جامعه متفاوت می‌باشد، چراکه در یک جامعه سکولار مثل جامعه هلند یا آلمان یا فرانسه برای انتقال آگاهی به احساس و اندیشه جامعه و طبقه نباید از طریق آگاهی اعتقادی یا آگاهی مذهبی اقدام به چنین امری بکنیم، در آنجا کافی است از طریق آگاهی سیاسی یا حتی آگاهی علمی ما آگاهی‌های طبقاتی و اجتماعی و... وارد احساس و اندیشه جامعه بکنیم، اما در یک جامعه مذهبی مثل ایران ما مجبوریم از طریق آگاهی مذهبی، آگاهی اجتماعی و سیاسی و

که حیات تاریخی‌اش در گرو آنتاگونیست است و هرگز نمی‌تواند در بستر مبارزه دموکراتیک وجود و هژمونی خود را تثبیت نماید و از آنجائیکه در جامعه ما هم به صورت بالقوه و هم به صورت بالفعل، چریک‌گرایی مدرن و سنتی دارای پتانسیل تشکیلاتی و نظری می‌باشند بنابراین در برابر افت‌های گفتمان اپورتونیست لیبرال دموکراسی در شرایط فعلی و آینده باز آنچه جنبش دموکراتیک و سوسیالیستی را تهدید می‌کند، همین جنبش چریک‌گرایی مدرن و سنتی است که در هر زمانی بر اثر خودویژگی‌های تاریخی جامعه ما شرایط عینی و ذهنی جهت رشد و اعتلای و فراگیری آن مهیا می‌باشد، البته نشر مستضعفین در مدت دو سال عمر خود تنها جریانی است که تا کنون توانست به صورت تئوریک با این آفت تاریخی برخورد کند.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی زائیده شد که مخاطب خود را بر مبنای وظایف تعیین می‌کرد، نه وظایف بر مبنای مخاطب، چراکه از دیدگاه نشر مستضعفین اگر بر پایه مخاطب خود بخواهیم به تعیین وظایف پردازیم یک امر پوپولیستی می‌باشد که آفتی است که مدت هزار سال است که دامن روحانیت شیعه و سنی را گرفته است و آن‌ها را زمین گیر کرده است چراکه که بزرگترین آفت روحانیت که در تمامی مذاهب وجود دارد آن است که برای کسب معیشت دنیایی خویش راهی جز حرکت کردن در راستای منافع مخاطبین از پیش تعیین شده خود ندارد و در این رابطه است که در تشکیلات روحانیت مذاهب از جمله روحانیت شیعه و سنی برای کسب معیشت دنیا، روحانیت اول مخاطب پاسخگوی این نیاز خود را مشخص می‌کند و بعد توسط تشکیلات سنتی یا سیاسی فقهی خود به تعیین وظایف خود می‌پردازد و همین موضوع دلیل پیدایش آفت پوپولیسم در آن‌ها می‌گردد، اما در اندیشه نشر مستضعفین مخاطب باید پس از تعیین وظایف صورت گیرد. بنابراین از دیدگاه نشر مستضعفین اول باید به تعیین مرحله پردازیم و سپس بر پایه تعیین مرحله به تعیین وظایف اقدام کنیم و پس از تعیین وظایف باید به تعیین نیرو که مشخص کننده مخاطب می‌باشد اقدام نمائیم، ولی اگر به جای این پروسه ما ابتدا به تعیین مخاطب پردازیم و سپس بر پایه مخاطب تعیین شده به تعیین وظایف اقدام کنیم در آن صورت برای ما راهی باقی نمی‌ماند جز اینکه جهت حفظ و جذب و پیوند با این مخاطب از منافع این مخاطب حمایت کنیم که این عمل حاصلی جز پوپولیسم نخواهد داشت. بر پایه این نگرش نشر مستضعفین با مخاطب است که موضوع پیوند با مخاطب به جای اینکه از طریق نشر با مخاطب تبیین گردد، این پیوند از طریق مخاطب با نشر تبیین می‌شود یعنی زمانی که ما توانستیم به صورت علمی وظایف تاریخی خودمان را در این زمان به صورت شعار و برنامه مشخص کنیم و در کانتکس این شعار و برنامه حرکت نمائیم، رفته رفته مخاطب ما شکل می‌گیرد، در این صورت عامل پیوند ما با مخاطبین وظایف و برنامه می‌باشد نه منافع و خواسته مخاطب و بدین ترتیب است که اگر بخواهیم بر پایه وظایف به تعیین و دسته بندی مخاطبین پردازیم، مخاطبین به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

الف - مخاطبین دموکراتیک،

ب - مخاطبین سوسیالیستی،

ج - مخاطبین پوپولیستی،

د - مخاطبین پوزیتیویستی،

که مخاطبین دموکراتیک مشمول نیروهای اجتماعی می‌شود که حیات و حرکت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خودشان را در مادیت پیدا کردن این وظایف می‌دانند مانند دانشجویان و زنان و دانش آموزان و کارمندان و حتی کارگران که در مرحله‌ای از حرکتکشان مجبورند برای نیل به خواسته‌های سوسیالیستی‌شان در جهت تحقق این خواسته‌ها تلاش کنند و در این رابطه است که خود طبقه کارگر در این مرحله به عنوان نیروی

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی به دنیا آمد که در عرصه پروسه انتقال آگاهی‌های اعتقادی و اجتماعی و سیاسی و طبقاتی به احساس و اندیشه و نگاه توده‌ها، معتقد به فرآیندهای سه گانه‌ای بود که عبارت بودند از:

الف - ترویج،

ب - تبلیغ،

ج - تهییج،

که تکیه بر هر یک از این فرآیندهای سه گانه در بستر تکوین و اعتلا و بالاخره وضعیت مسیر بین جنبش‌های سه گانه اجتماعی و سیاسی و طبقاتی در دو مرحله دموکراتیک و سوسیالیستی باید به انجام برسد و تا زمانی که جنبش‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و دموکراتیک و سوسیالیستی در مسیر اعتلا بخش خود نتوانسته‌اند مراحل سه گانه تکوین و اعتلا و وضعیت طی کنند، نباید به صورت مکانیکی به طرح فرآیندهای سه گانه ترویج و تبلیغ و تهییج بپردازیم.

از نظر نشر مستضعفین در مرحله تکوین جنبش‌ها باید بر فرآیند ترویجی تکیه کنیم که مکانیزم مرحله ترویج عبارت است از تبیین تئوری‌های عقیدتی و سیاسی و طبقاتی و اجتماعی.

در مرحله اعتلای جنبش برای انتقال این تئوری‌های باید بر فرآیند تبلیغی تکیه کنیم و تمامی ابزارهای تبلیغی در عرصه‌های گفتاری و نوشتاری و سیمانی به کار گیریم تا این آگاهی تدوین شده در فرآیند ترویجی بتواند وارد احساس و اندیشه جامعه و طبقه گردد تا با شکل‌گیری خودآگاهی اعتقادی و سیاسی و اجتماعی بتواند خط فکری بدل به خط حرکتی شود.

اما در مرحله تهییج تمامی تئوری‌های تدوین شده باید به صورت برنامه‌های عام و خاص و مشخص در جهت هدایتگری نهائی جنبش‌های فوق درآید. پس از نظر نشر مستضعفین بدون فرآیند ترویجی هرگز نباید اقدام به

فرآیند تبلیغی و تهییجی کرد، آنچنانکه این مصیبت باعث شده که در تاریخ ما به قول شریعتی مشروطیت با باد بیاید و با برق برود و بدین ترتیب است که از نگاه نشر مستضعفین هرگز نباید در انجام این فرآیندها عجله بکنیم حتی اگر برای انجام هر مرحله آن نیاز به سه نسل کار کردن باشد باید تن به انجام آن بدهیم.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ در خلال اعتلای جنبش اجتماعی ۲۲ خرداد از مادری ۳۴ ساله نوزادی متولد شد که خود پاسخی تاریخی به این سوال سترگ بود: چرا جنبش‌های دموکراتیک در غرب به پیروزی و آزادی رسیدند اما جنبش‌های دموکراتیک در ایران و کشورهای درجه سوم آمریکای لاتین و آفریقا و آسیا نتوانسته‌اند به آزادی و پیروزی برسند؟ آنچه نشر مستضعفین با حیات دو ساله خود توانسته است به این سوال تاریخی

حتی آگاهی طبقاتی وارد احساس و اندیشه جامعه و طبقه بکنیم و اینجا است که به عظمت این حرف پی می‌بریم که اسلام تطبیقی یعنی با زبان مذهب در عرصه اجتهاد در اصول، حرف زمان و عصر را زدن و اسلام انطباقی یعنی با زبان زمان حرف مذهب را زدن و اسلام دکماتیسیم فقهانی حوزه یعنی با زبان فقه حرف مذهب را زدن این است که ما در اسلام انطباقی بازرگان در مطهرات همین فقه حوزه را می‌بینیم که توسط بازرگان با زبان علم سیانس حرف فقه را می‌زند، اما در اسلام تطبیقی اقبال و شریعتی ما ابتدا یک اسلام متحول یافته‌ای می‌بینیم که می‌تواند در عصر حاضر پاسخ نو به سوال‌های نو بدهد، نه پاسخ کهنه به سوال‌های نو. پس هنگامی که اسلام تطبیقی عبارت باشد از با زبان مذهب پاسخگوی سوال‌های عصر و زمان بودن، طبیعی است که در این رابطه آنچه مذهب را به حرف در می‌آورد سوال‌های عصر است و بدین ترتیب است که آگاهی مذهبی و اعتقادی در جامعه مذهبی ما می‌تواند به عنوان سر پل انتقال آگاهی‌های طبقاتی و اجتماعی و سیاسی به متن جامعه یا احساس و اندیشه طبقه بگردد که حاصل همه این‌ها شکل‌گیری خودآگاهی اعتقادی

و اجتماعی و سیاسی و طبقاتی در جامعه می‌شود و بدین ترتیب است که خط حرکتی از خط فکری یا عمل از تئوری حاصل می‌شود و طبیعی است که تا زمانی که یک اندیشه یا یک فکر یا یک خط فکری نتواند وارد احساس و اندیشه جامعه یا طبقه بگردد، آن اندیشه به صورت ذهنی و نظری باقی خواهد ماند و تحولی از آن حاصل نخواهد شد. پس اگر دیدیم که یک اندیشه در فرآیند نظری خود باقی ماند و بدل به حرکت و تحول نشد باید یقین کنیم که آن اندیشه نتوانسته است به متن احساس و اندیشه و آگاهی جامعه و طبقه انتقال پیدا کند، همه وظایف و برنامه‌ها و تئوری‌ها از زمانی کارساز است که ما بتوانیم توسط ابزارهای ارتباط جمعی یا ارتباط تشکیلاتی و غیره به احساس و اندیشه توده‌ها منتقل کنیم.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ از مادری ۳۴ ساله کودکی زائیده شد که در سرلوحه حرکت خود، به

تفکیک پراکسیس از پراگماتیسیم پرداخت و پراکسیس را در عرصه محک و ارزیابی تئوری این چنین تعریف کرد که یک فکر از زمانی که به عمل در می‌آید قابل ارزش گذاری است و تا زمانی که به عمل در نیآمده است هیچگونه قابلیت ارزش گذاری ندارد، در صورتی که پراگماتیسیم عبارت است از اینکه یک اندیشه در عرصه عمل چقدر می‌تواند تولید نفع و سود بکند و بر این پایه بود که نشر مستضعفین در مدت ۳۶ سال گذشته پیوسته بر طبل پراکسیس هم به عنوان معیار شناخت و هم به عنوان منبع شناخت (در عرصه پراکسیس نظری و پراکسیس اجتماعی و پراکسیس طبقاتی و پراکسیس سیاسی) تکیه کرده است، در صورتی که از نظر نشر مستضعفین پراگماتیسیم ویلیام جیمز آمریکائی یک مقوله صد در صد بورژوازی و منفعت طلبانه می‌باشد که هیچگونه فونکسیون ارزشی در عرصه واقعیت نخواهد داشت.

۲ سال پیش... از مادری ۳۴ ساله کودکی زائیده شد که پرچم به زمین افتاده اجتهاد در اصول علامه اقبال لاهوری در راستای ایجاد خودآگاهی اعتقادی و تحقق شعار «نجات اسلام قبل از مسلمین» که توسط شعار اجتهاد در فروع حوزه‌های به گل نشسته فقهی فراموش شده بود، در جامعه ایران و دنیای اسلام و مسلمانی به اهتزاز در آورد که بر پایه این شعار علامه اقبال لاهوری اعلام کرد که «برای نجات اسلام محمد و اسلام قرآن از حصار اسلام حوزه و فقهت و زنگار فقهانی که در طول ۱۰۰۰ سال بر اسلام وحی نشسته است، تنها یک راه برای مسلمین باقی مانده است و آن اینکه با اصل فرقانی اجتهاد در اصول علامه اقبال لاهوری به جان تمامی اصول و فروع به ارث رسیده از وحی محمد بیافتیم تا توسط آن علاوه بر اینکه بتوانیم شرایط زندگی کردن در این جهان و عصر و زمان برای دین محمد فراهم کنیم، سره‌ها را از ناسره باز شناسیم.»

یک پاسخ تاریخی بدهد اینکه، علت اینک جنبش‌های دموکراتیک ایران و کشورهای درجه سوم تاکنون نتوانسته است به پیروزی برسند، هم ریشه عینی داشته و هم ریشه ذهنی. ریشه عینی این عدم موفقیت جنبش‌های دموکراتیک در ضعف ساختاری و مناسبات عقب مانده تاریخی و به خصوص عدم تکوین سرمایه‌داری ساختی در اینگونه جوامع می‌باشد. در صورتی که ریشه ذهنی این عدم موفقیت جنبش‌های دموکراتیک در کشور ما و دیگر کشورهای درجه سوم آمریکا و آفریقا و آسیا از نظر نشر مستضعفین بازگشت پیدا می‌کند به عدم انجام فرآیندهای خودآگاهی بخش اجتماعی و طبقاتی و سیاسی آنچنانکه در غرب اتفاق افتاد.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد ۸۸ در روز میعاد با شریعتی از مادری ۳۴ ساله کودکی پا به عرصه وجود گذاشت که در رابطه با تحول اجتماعی و طبقاتی و پیدا کردن مخاطب و پیوند با مخاطب، بر عکس گذشتگان معتقد به طرحی نو و پلان و نقشه جدیدی بود که با گذشتگان تفاوت داشت. نشر مستضعفین از همان آغاز ظهور خود نه در پیدا کردن مخاطبین خود معتقد به ایده گذشتگان بود و نه در استمرار پیوند با مخاطبین، معتقد به ایده گذشتگان بوده است، چراکه تنها ایده‌ای که تا زمان ظهور نشر مستضعفین بر اندیشه پیشگامان توده جهت یافتن مخاطبین وجود داشت، ایده تشکیلاتی و نهادی و حزبی و چریک‌گرایی بود که مطابق آن پیشگام برای پیدا کردن مخاطبین خود باید به صورت نظری و عملی به سراغ مخاطب برود و در آنجا مخاطب خود را تعریف کند و پس از دستیابی به مخاطب خود، جهت استمرار پیوند خود با مخاطب تنها راهی که برای او وجود دارد اینکه پاسخگوی سوال‌های او باشد و تا زمانی که پیشگام توانست به سوال‌های مخاطب خود پاسخ دهد، می‌تواند پیوند خود را با مخاطب حفظ کند، از زمانی که پیشگام نتوانست به سوال‌های مخاطب خود پاسخ دهد رابطه و پیوند او با مخاطب قطع می‌گردد. طرح نوئی که نشر مستضعفین با ظهور خود در این عرصه ایجاد کرد عبارت بود از اینکه، نه در عرصه پیدا کردن مخاطب ما باید به سراغ مخاطب برویم، چراکه بنابراین مینا ما گرفتار پوپولیسم و آفت‌های متعاقب آن می‌شویم بلکه بالعکس، برای پیدا کردن مخاطب ما باید با مشخص کردن مرحله حرکت و تعیین وظایف مربوط به مرحله حرکت و تکیه بر پروژه خودآگاهی ساز سه گانه در بستر فرآیندهای سه گانه پروسه حرکت که فوقاً شرحش رفت، به آزاد کردن انرژی‌های اجتماعی و سیاسی و طبقاتی بپردازیم که از بعد از ریزش نیروها و آزادی شدن انرژی‌ها رفته رفته مخاطب ما مشخص می‌گردد. بر عکس شکل اول در اندیشه نشر مستضعفین در این مرحله این مخاطب است که به طرف پیشگام می‌آید و از پیشگام برنامه و هدایت طلب می‌کند و با جنبش‌های مختلف دموکراتیک و سوسیالیستی خود پیشگام را دعوت به سازمان‌گری می‌نماید و تحزب‌گرایی در عرصه سازمان‌گری جنبش خود به عنوان راه حل پیوند پیشگام با خود می‌داند و اما در رابطه با موضوع دوم یعنی چگونگی استمرار پیوند بین مخاطب و پیشگام، نشر مستضعفین بر عکس نظریه قبل که معتقد بود که تنها راه استمرار بین مخاطب و پیشگام پاسخگویی به سوالات مخاطب می‌باشد نه تنها معتقد به پاسخگویی نیست بلکه بالعکس، برای استمرار پیوند با مخاطب در عرصه پروسه خودآگاهی بخش، معتقد به سوال دار کردن مخاطب است. از نظر نشر مستضعفین آنچه طبقه و جامعه را به حرکت وا می‌دارد و آن‌ها را آگاه و خودآگاه می‌کند پاسخ‌های بزرگ به سوال‌های کوچک نیست، بلکه ایجاد سوال‌های بزرگ در اندیشه و نگاه و احساس جامعه و طبقه است و با ایجاد این سوال‌های بزرگ است که نگاه و احساس و اندیشه جامعه و طبقه و حتی فرد را شکوفا می‌کند و او را به رفتن جهت یافتن پاسخ وا می‌دارد. البته این پروژه پیشگام از نظر نشر مستضعفین تناقضی با برنامه و تئوری و آگاهانه رفتن مخاطب ندارد چراکه از نظر نشر مستضعفین توده‌ها هم در مرحله اول حرکت خود که حرکت نفی‌انی می‌باشد و هم در مرحله دوم فرآیند حرکت خود، که حرکت اثباتی می‌باشند باید از پیش بدانند که «چه نمی‌خواهند و چه می‌خواهند»، چراکه بزرگ‌ترین آفتی که

جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی ما را در گذشته فرا گرفته بود و باعث به گل نشستن این جنبش‌ها شده، همین آفت بوده که پیوسته در گذشته در بستر حرکت و تغییر توده‌های ما می‌دانستند که «چه نمی‌خواهند اما نمی‌دانستند چه می‌خواهند»، در نتیجه این آفت باعث شده تا توده‌های در عرصه مبارزه دموکراتیک خود در مرحله تخریب آگاهانه عمل کنند. ولی در مرحله آلترناتیو سازی به علت اینکه از قبل نمی‌دانستند که چه می‌خواهند بدون طرح و برنامه و نقشه سازندگی وارد کارزار می‌شدند و به صورت عمده آماتور استبدادی جدید را جایگزین استبداد گذشته می‌کردند که این استبداد جدید به علت اینکه لباس فقه امامت و شریعت و دیانت به تن داشت، بسیار سفاک تر از استبداد قبلی که لائیک بود، از آب در می‌آمد.

دو سال پیش در ۲۹ خرداد سال ۸۸ از مادری ۳۴ ساله نوزادی متولد شد که با پاپیولار کردن تئوری‌های کلاسیک در عرصه سوسیالیسم و قرآن و مبنای فلسفی و مبنای غامض عرفانی و مبنای پیچیده علمی در طول دو سال گذشته توانست این مفاهیم غامض علمی و فلسفی و عرفانی و سیاسی در کانتکست دیسکورس مذهبی و اسلامی و قرآنی را برای فهم جامعه و طبقه عرضه کند. البته در دایره پاپیولار کردن آن اندیشه، نشر مستضعفین هرگز مضمون اندیشه‌های سترگ قرآنی و علمی و فلسفی و عرفانی در پای ساده کردن آن‌ها قربانی نکرده است بلکه بالعکس، آنجا که در برابر ساده کردن و قربانی کردن مضمون قرار داشته است مضمون با آن لفظ غامض انتخاب کرده که شاید انتقاد بعضی از خوانندگان هم در این رابطه به این دلیل بوده باشد. از نظر نشر مستضعفین سازماندهی با سازمان‌گری متفاوت می‌باشد چراکه سازماندهی در بستر تشکیلات به انجام می‌رسد در صورتی که سازمان‌گری در عرصه جنبش تحقق خارجی پیدا می‌کند. به این دلیل است که نشر مستضعفین در طول دو سال گذشته حرکت خود دنبال حرکت اعتلا بخش جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی جامعه بوده است، نه دنبال تشکیلات و سازماندهی و حزب و همین مرز از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر بین اندیشه چریک‌گرایی و اندیشه حزب‌گرایی گذشته با اندیشه تحزب‌گرایی شریعتی و نشر مستضعفین می‌باشد. چراکه کسی که این فاصله ظریف را فهم نکند نه تشکیلات فهمیده و نه چریک‌گرایی درک کرده و نه حزب سازمانده می‌فهمد، البته این دیدگاه نشر مستضعفین نباید تداعی کننده این موضوعی باشد که نشر با تشکیلات و سازماندهی و حزب مخالف است، نه موضوع مخالفت و موافقت نیست بلکه بالعکس، موضوع قالب و مضمون است چراکه نشر بر عکس دیدگاه چریک‌گرایی مدرن و حزب‌گرایی سنتی ایران، سازماندهی برای تشکیلات و تشکیلات برای قدرت نمی‌خواهد بلکه بالعکس، آنچه نشر از استراتژی تحزب‌گرایانه یا سازمان‌گرایانه شریعتی فهم می‌کند عبارت از اینک:

اولا سازماندهی به جای اینکه در عرصه تشکیلات در خدمت کسب قدرت در آید، باید در خدمت سازمان‌گری جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی جامعه باشد.

در ثانی تا زمانی که تشکیلات و سازماندهی و حزب در خدمت اعتلای جنبش در نیاید مثبت نیستند و از زمانی که جنبش در خدمت احزاب در آید و تشکیلات در احزاب در خدمت کسب کرسی‌های قدرت باشد، امری منفی و غلط می‌باشد. بنابراین اصول مانیفست دیدگاه استراتژی نشر مستضعفین عبارتند از:

- ۱ - تقدم ارزشی و تکوینی خودآگاهی اعتقادی بر خودآگاهی سیاسی و اجتماعی.
- ۲ - در یک جامعه مذهبی خودآگاهی اجتماعی و خودآگاهی سیاسی باید توسط خودآگاهی اعتقادی حاصل شود.
- ۳ - در جامعه ما خودآگاهی اعتقادی از طریق اجتهاد در اصول و نجات

اسلام قرآنی و اسلام محمدی از اسلام فقهاتی حوزه حاصل می‌شود.

۴ - تا زمانی که اصل اجتهاد گرفتار شده از زندان فروع فقهاتی حوزه به عرصه اصول در نیاوریم امکان کسب اسلام تطبیقی وجود ندارد.

۵ - غیر از دوران ۲۳ ساله محمد که دوران اسلام و وحی حقیقی بوده، از بعد از مرگ محمد در سال ۱۱ هجری تاکنون دیگر ما با اسلام ناب روبرو نیستیم بلکه آنچه به عنوان اسلام به ما رسیده اسلام تاریخی می‌باشد که پیوسته با حرکت و فرآیندهای تاریخی در طول چهارده قرن گذشته رشد و تکامل پیدا کرده است.

۶ - اسلام شناسی ما هم یک اسلام شناسی تاریخی می‌باشد که بر پایه اجتهاد تطبیقی بین اسلام محمد و اسلام قرآن با زمان و عصر حاضر حاصل می‌شود.

۷ - قرآن کتابی است که در طول چهارده قرن گذشته از نظر قالب و محتوی بدون تغییر و دستکاری و تحریف به ما رسیده است، برای شناخت اسلام تطبیقی در این عصر راهی جز تفسیر و شناخت این قرآن بر پایه حرکت و جامعه محمد برای ما وجود ندارد، به همین دلیل است که در این رابطه نشر مستضعفین در طول دو سال گذشته بی وقفه تلاش می‌کند.

۸ - تشکیلات برای جنبش می‌خواهیم، نه جنبش برای تشکیلات.

۹ - تشکیلات بر پایه سازماندهی حاصل می‌شود، در صورتی که جنبش بر پایه سازمان‌گری اعتلا پیدا می‌کند، تفاوت سازماندهی و سازمان‌گری از نظر نشر مستضعفین تفاوت حرکت در بستر نهاد یا انستیتاسیون با حرکت در بستر موومان و جنبش‌های مختلف سه گانه می‌باشد.

۱۰ - حزب با تحزب‌گرایی فرق می‌کند، حزب نهادی می‌باشد در جهت کسب کرسی‌های قدرت در صورتی که تحزب‌گرایی در راستای سازمان‌گری جنبش‌های سه گانه جامعه می‌باشد.

۱۱ - موضوع جنبش اجتماعی از نظر نشر مستضعفین تمامی اقشار جامعه، منهای بورژوازی در اشکال مختلف آن و نمایندگان سیاسی این طبقه می‌باشد که در ایران در شرایط فعلی ضد انقلاب هستند و پای و دست آن را باید در جنبش‌های سه گانه در هر شکلی که ظهور کنند، قطع کرد.

۱۲ - موضوع جنبش‌های دموکراتیک در ایران عبارتند از دانشجو، دانش آموز، معلم، کارمند، زن، کارگر، زحمتکشان متوسط شهر و روستا و حاشیه نشینان تولید.

۱۳ - موضوع جنبش سوسیالیستی عبارتند از طبقه کارگر و اقشار زحمتکش و غیر مرفه شهر و روستا.

۱۴ - بزرگترین نقد قدرت در جامعه مذهبی از کانال نقد مذهب در جامعه می‌گذرد.

۱۵ - شعار «نجات اسلام قبل از مسلمین» از دیدگاه نشر مستضعفین این چنین تفسیر می‌شود که، تا زمانی که اسلام بر پایه دینامیسم درونی خود نتواند ایجاد خودآگاهی اعتقادی در جامعه ایران بکند، امکان ایجاد خودآگاهی اجتماعی و سیاسی و طبقاتی حتی اگر هم وجود داشته باشد امری انحرافی و اشتباه می‌باشد.

۱۶ - برحسب نوع مرحله حرکت، مخاطب حرکت متفاوت می‌باشد، مخاطب در مرحله دموکراتیک، با مخاطب در مرحله سوسیالیسم متفاوت هستند.

۱۷ - در کانتکس وظایف دموکراتیک اگر سمت‌گیری سوسیالیستی در نظر گرفته شود خود جنبش دموکراتیک می‌تواند در راستای منافع سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر مفید به فایده و دارای فونکسیون مثبت شود، از این مرحله است که کارگران و طبقه کارگر و اقشار زحمتکش شهر و روستا جزو نیروهای دموکراتیک در کنار دانشجو و دانش آموز و معلم و

کارمند و زن قرار می‌گیرد.

۱۸ - علت اینکه نشر مستضعفین در طول دو سال گذشته این همه بر اندیشه شریعتی تکیه می‌کند به چند دلیل می‌باشد که عبارتند از:

اولاً: آیشخور اندیشه نشر مستضعفین بیش از اندیشه اقبال، اندیشه شریعتی است، گرچه اندیشه اقبال تکمیل کننده اندیشه شریعتی برای نشر مستضعفین می‌باشد.

در ثانی اندیشه شریعتی در این شرایط از طرف ارتجاع مذهبی و لیبرالیسم مذهبی دچار کج فهمی شده است و این کج فهمی باعث گردیده تا ما این اندیشه را بد بفهمیم.

ثالثاً خود اندیشه شریعتی بهترین زبانی است که ما در لوای آن هنوز هم می‌توانیم، ایده و آرمان و اندیشه خودمان را تعلیم دهیم، بنابراین بنا به این دلایل است که ما بیش از هر تفکری بر تدوین و تبیین و تبلیغ اندیشه شریعتی می‌پردازیم.

۱۹ - حد و مرز زمانی و مرحله بندی کار فکری و نظری از نظر نشر مستضعفین بر پایه شاخص خودآگاهی اعتقادی و اجتماعی و سیاسی جامعه ایران مشخص می‌شود، یعنی تا زمانی که کار نظری و تئوریک ما در جامعه ایران دارای فونکسیون مثبت باشد ما به کار فکری و نظری خود ادامه می‌دهیم و از زمانی که دریابیم که دیگر در جامعه ایران به علت اعتلای جنبش، کار نظری و تئوریک ما دارای فونکسیون مثبت نیست در آن صورت تغییر آیت‌ها در دستور کار ما قرار خواهد گرفت.

سلام بر نشر مستضعفین این کودک دو ساله

سلام بر مادر ۳۴ ساله این کودک دو ساله

مبارک باد سومین جشن تولد این کودک دو ساله

سلام بر حرکت سازمان‌گرایانه توده‌انی ملت ایران

سلام بر حرکت تحزب‌گرایانه توده‌انی ایران

سلام بر جنبش اجتماعی و جنبش دموکراتیک و جنبش سوسیالیستی ملت ایران

سلام بر آزادی و عدالت و انسان

سلام بر خودآگاهی اعتقادی و اجتماعی و سیاسی مردم ایران

سلام بر اندیشه شریعتی آیشخور فکری ما

سلام بر اقبال لاهوری تکمیل کننده اندیشه شریعتی

پیش به سوی هر چه بارور کردن راه نشر مستضعفین توسط انتقادهای سازنده

پیش به سوی دستیابی به اسلام تطبیقی

پیش به سوی سازمان‌گری در جهت اعتلای جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیک و سوسیالیستی مردم ایران

سلام بر آگاهی

سلام بر آزادی

سلام بر عدالت ♦